

ایراد مرور زمان

(پاسخ اشکالیکه در مجله کانون شماره ۴ صفحات ۷۶ - ۷۷ از ناحیه همکار محترم آقای عیسی ضیاء ابراهیمی وکیل دادگستری کرمان طرح گردیده)
بعد از ستایش بیان رسا و قلم توانای همکارم و پیش از ورود در ماهیت اشکال ناگزیر از ایراد مقدمه زیر میباشم.

آنچه مسلم است طرح مسئله بایک اشتباه کتابی ناشی از غلط چاپی در کمانگر شروع و همین اشتباه کوچک باعث شده که موضوع تا آخر با همین نظر تحلیل و همکارم مجبور گردیده اند - لاقلاً دوثلث ابهام مسئله را از این جهت تحمل نمایند در صورتیکه صحیح ماده ۱۹۷ بترتیبی است که در زیر درج میشود :

« ماده ۱۹۷ در مورد زیر مدعی علیه میتواند ضمن پاسخ از ماهیت دعوی ایراد کند: »

بنابراین ایرادات که بغلط در موقع چاپ بمدعی توجه داده شده در اصل ماده متوجه بمدعی علیه بوده است و اگر یکی دو تا مصاحبه تلفنی با همکاران مرکزی و مکالمه حضوری با آقایان داد رسان نمیبود بدون تردید بحکم ذوق سلیم در توضیح اینمطلب بیش از این پافشاری نکرده وباصل موضوع اشکال میپرداختم ولی چون مشاهده شد که این اشتباه برای آقایان دیگر هم روی داده است ناچار در تأکید صحت بیان خود یعنی در توجه ایرادات بمدعی علیه بایراد دلائل زیرمبادرت میورزد:

الف: از نظر تاریخ

- تاریخ وضع قوانین مربوط بمقررات دادرسی مدنی در همین موضوع:
- ۱ - قوانین موقتی محاکمات حقوقی مصوب ۱۹ ذیقعدہ ۱۳۲۹ ماده ۳۶۴
 - ۲ - اصول محاکمات حقوقی آزمایش مرحوم داورماده ۶۹
 - ۳ - آئین دادرسی مدنی مصوب ۲۵ / شهریور / ۱۳۱۸ مواد ۱۹۷ و ۱۹۸ -
 - ۴ - لایحه قانونی اصلاح آئین دادرسی مدنی دکتر مصدق مصوب دیماه ۱۳۳۱

ماده ۱۹۷

۵ - در اصلاح اخیر مواد لایحه قانونی مصوب ۳۴/۵/۱ نیز همین ماده بدون تغییر بحالت اولی مانده است.

بطوریکه ملاحظه میشود در همه این قوانین ایرادات متوجه بمدعی علیه است که قسمتی از آنها: ضمن پاسخ دعوی مدعی و قسمت دیگر پیش از پاسخ دعوی از طرف مدعی علیه ایراد میشود - بعید بنظر میرسد که همه این سوابق ابتداء بسکون

ایراد مرور زمان

و بدون مقدمه یک مرتبه و بدون ذکر علت از مدعی علیه بمدعی تبدیل و کسی از آن مطلع نشده باشد.

ب - از نظر حقوقی

۱ - پرواضح است که از نظر حقوقی (ایرادات) اعتراضاتی هستند که در موقعیت انتقاد از کیفیت اقامه دعوی بدون ورود بماهیت اظهار میشود بنابراین طبیعی است که مدعی که خود اقامه کننده دعوی است به کیفیت اقامه آن معترض نخواهد بود مخصوصاً که این ایراد مربوط به مرور زمان باشد.

۲ - تصور میشود بعضی از ایرادات از جمله ایراد مرور زمان که دایره مدار عمده اشکال مسئله است در بعضی مواقع از ناحیه مدعی نیز ممکن است بعمل آید مانند ایراد مرور زمان از طرف مدعی نسبت بسند ابرازی مدعی علیه در دعوی تهاثر جواب این مورد این است که در این موقعیت توسل مدعی بایراد مرور زمان طبعاً بعد از پاسخ دعوی بعمل آمده در صورتیکه برابر صراحت مواد ۱۹۷ و ۱۹۸ ایرادات مذکور چنان است که: ضمن پاسخ از دعوی و یا پیش از پاسخ بدان بعمل آید - ممکن است گفته شود که ایراد مدعی در مقابل مدعی علیه در واقع در مقام اولین پاسخ بدو بعد از ابراز سند برای دعوی تهاثر و بنا بر این موقعیت مذکور در مواد ۱۹۷ و ۱۹۸ از دست نرفته است این سوء تفاهم را میتوان چنین پاسخ داد که از دعوی مذکور در مواد ۱۹۷ و ۱۹۸ چون مربوط بموقعیت پیش از ورود بماهیت است طبعاً منظور دعوی مدعی است و اقامه کننده این دعوی را از این جهت مدعی میگویند که خلاف اصل را ادعا نموده است و دعوی تهاثر را نمیتوان:

اولاً بنا بتعریف بالا دعوی شناخت که از این جهت اولین پاسخ بدان هم اولین پاسخ بدعوی تلقی نمیشود یعنی دعوی تهاثر بصورت دفاعی بخود میگیرد نه بصورت ادعائی ثانیاً - اگر هم علی رغم تعریف دعوی که بیان خلاف اصل است دعوی تهاثر را از صورت دفاعی مسلوب داشته و دعوی تلقی کنیم در این موقعیت مدعی علیه دعوی اصلی بمدعی دعوی تهاثر منقلب خواهد شد و بنابراین مدعی این دعوی جدید هم بصورت انقلاب مدعی علیه گردیده باز ایراد متوجه او شده است و این وضعیت همان مطلوب ما است.

گذشته و بالاتر از همه این مراتب اگر بر خلاف منطق و علی رغم ذوق سلیم بنا بود که مدعی نیز مانند مدعی علیه در بیان ایرادات نامبرده در دوماهه بالا سهیم باشد آیا بهترین موقعیت برای این بیان این نبوده که مدعی ضمن تقدیم دادخواست و بیان دعوی بدان مبادرت نماید؟

پس از فراغ از این مقدمه اشکالات همکارم در این مورد در سه قسمت زیر خلاصه میشود:

الف - حکم ایرادات نسبت به مدعی با حکم ایراد نسبت بمدعی علیه مخصوصاً در ایراد مرور زمان بنا به منطق ذیل ماده ۲۰۱ با هم فرق دارند.

ب - مقنن موقعیت ایراد مرور زمان را از طرف مدعی علیه در ذیل ماده ۲۰۱ که بلفظ (میتواند) در صورتیکه صدر آنرا در ایرادات بطور کلی بلفظ باید تعمیم داده بود تخصیص داده است و خصوصیت علیحده‌ای قائل گردیده و مانند سایر ایرادات این موقعیت تا سرحد اولین لایحه در دادگاههای عادی و اولین جلسه در اختصاری تحدید نشده است .

ج - ثمره نزاع این خواهد بود: نسبت بایراد مرور زمان که از قوانین موجود حق هم میباشد چه ضمن پاسخ دعوی یا بعد از آن در هر مرحله از طرف مدعی علیه بعمل آید دادگاه مکلف است آنرا قبول و قرار علیحده صادر نماید.

تحلیل و تجزیه و پاسخ یکایک اشکالات از اینقرار است :

الف - این قسمت بطوریکه گفته شد مربوط به اشتباه چاپ کتاب مجموعه کمانگر بوده و ایرادات در ماده ۱۹۷ متوجه مدعی علیه است نه مدعی .

ب - ذیل ماده ۲۰۱ در مورد ایراد مرور زمان از طرف مدعی علیه که بلفظ **میتواند** ادا شده محض صدر آن که در مورد ایرادات بطور کلی بلفظ باید ادا گردیده نمی باشد و این اختلاف نتیجه انعکاسی بیان دو حالت از یک حکم است که در موازات هم قرار گرفته اند از اینقرار که :

اجبار لفظ (باید) نسبت به بیان ایرادات در صدر ماده ناظر بنهایت موقعیت آنهاست که در اولین لایحه پاسخ بطرف در دادرسیهای عادی و در اولین جلسه در دادرسیهای اختصاری از طرف مدعی علیه باید بیان شود - در مقام دقت این تحدید در واقع متوجه اختیاری است که در موقع بیان ایرادات مذکور از جهت موقعیت بمدعی علیه داده شده است بنا براین بلفظ **میتواند** در ذیل آن که مبین همین اختیار است منافات نخواهد داشت و بعبارت دیگر اجبار لفظ باید در واقع روی اختیار حاصل از لفظ **میتواند** افتاده است از اینجهت الزام مقنن بلفظ باید (در صدر ماده) نه اینکه منافی اختیار حاصله از لفظ (**میتواند**) در ذیل آن نیست بلکه تکلیف ناشی از لفظ **باید** در سرحد نهائی سرزمین اختیار کلمه **میتواند** بنا شده است - بعبارت واضحتر مقنن حدنهائی توانائی و اختیار را در ذیل ماده ۲۰۱ مانند تحدید و الزام در صدر آن تا اولین لایحه پاسخ بدعوی طرف در دادرسی عادی و تا اولین جلسه در دادرسی اختصاری قرار داده و بنابراین عوض اینکه این دو لفظ در مقام وارد و مورد مخصوص یکدیگر باشند در مقام تالی و سابق مبین همدیگر شده اند و تصادفاً مفهوم مخالف عبارت ذیل درست عکس منظوری است که همکارم خواسته اند از آن برای اجازه ایراد مرور زمان از طرف مدعی علیه در هر موقع استفاده نمایند یعنی و تیکه « ایراد مرور زمان را مدعی علیه میتواند در محاکمات عادی در اولین لایحه که در جواب دعوی میدهد و در محاکمات اختصاری در اولین جلسه ... بنماید » (**مفهوم مخالف**) و این همان تحدیدی است که در صدر ماده بلفظ باید نوشته شده و این بیان عبارت اخیری حالت الزامی تکلیف در سرحد موقعیت در صدر ماده و حالت اختیاری آن در همین سرحد در ذیل ماده و بطوریکه گفته شد - نتیجه انعکاس دو حالت از یک حکم بیشتر نیست و بتعبیر دیگر این تحدید بصورت مثبت (باید)

ایراد مرور زمان

حالت مجسم مفهومی مخالفی است که ممکن بود با لفظ (نمی تواند) بصورت منفی نوشته شود.

روانکاوای بما اجازه میدهد تسامح همکار دانشمند را که این اندازه اختیار حاصل از لفظ (میتواند) را تا ماوراء سرحد موقعیت ایراد کش داده اند بدیده اعجاب بنگزیم. زیرا لفظ (میتواند) از نظر مفهوم موافق جز معنی اختیار که حالت نوسان بین مثبت و منفی آن (میتواند - نمیتواند) را نشان میدهد بچیز دیگر اطلاق ندارد و فقط از نظر مفهوم مخالف است که نمی تواند از سرحد موقعیت معروض در بیان ایرادات تجاوز نماید چطور در موقع استفاده خلاف این معنی بهمکارم دست داده است معلوم نیست.

ج - با توجه بمراتب معروض پاسخ این قسمت از ثمره نزاع هم داده شده یعنی ایراد مرور زمان مانند سایر ایرادات باید در موقعیت معین در صدر ماده ۲۰۱ بعمل آمده باشد والا بعد از این موقعیت قابل توجه نبوده مورد نظر واقع نخواهد گردید این بیان در دفعه اول پیش از مواد مندرج در فصل ایرادات در ماده ۱۱۱ در جریان تبادل لویح نیز از طرف مقنن بطور کلی تذکر داده شده بوده که بعداً در خصوصیت موضوع نیز تفصیل داده شده است.

باهمه این تفصیل این اشکال متصور است که اگر منظور از صدر و ذیل ماده ۲۰۱ یک مفهوم و تکلیف بیشتر نبوده اختلاف تعبیر را سبب چه شده است؟

بنظر ما صدر ماده ۲۰۱ که ناظر به تعیین سرحد موقعیت ایرادات بطور کلی است ایراد مرور زمان از جهت خصوصیتی که طبعاً داشته مقتنین را وادار نموده است ضمن حکم علیهمه این خصوصیت را بیان دارد و آن اینکه ایراد مرور زمان که شق ۴ از ماده ۱۹۷ را تشکیل میدهد برخلاف سه ایراد دیگر مادامیکه شخص مدعی علیه حضور نداشته باشد قابل ایراد نیست در صورتیکه شق ۱ ایراد بصلاحت ذاتی را صرف نظر از متداعمین خود دادگاه نیز مکلف است توجه نماید (صدر ماده ۲۰۲) و شق ۲ و ۳ ممکن است با نبودن مدعی علیه از طرف مدعی نیز مورد ایراد قرار گیرد تنها ایراد مرور زمان است که در اولین دادرسی بدون حضور مدعی علیه قابل ایراد نخواهد بود از این جهت لازم بوده مقنن سرحد موقعیت این ایراد را در صورت غیبت نیز تعیین نماید که در قسمت اخیر ذیل ماده نسبت بحکم غیابی بدوی و پژوهشی این تکلیف روشن شده است اختصاص ایراد ذیل ماده فقط از این جهت بوده و بس.